

بشنوید: صداهای یک انقلاب فمینیستی از ایران

نویسندگان: جمعی از فعالان فمینیست (جودیت باتلر، سارا احمد، شیلا بن حبیب،

ژاک رانسیر و دیگران)

مترجم: طه رادمنش

در روز 16 سپتامبر 2022 مهسا (ژینا) امینی، یک زن ایرانی کرد 22 ساله به شکلی وحشیانه به دست پلیس امنیت اخلاقی جمهوری اسلامی {گشت ارشاد} کشته شد. بعد از دستگیری بخاطر آنچه که به اصطلاح پوشش نامناسب خوانده می‌شود، چندین بار به سرش ضربه زده شد. این جنایت تنها مشت نمونه‌ای از خروار جنحه‌های حکومتی بود که رژیم ایران با تکیه بر آپارتاید جنسیتی عامدانه و سیستماتیک مرتکب شده. از زمان ارتکاب این قتل حکومتی تا همین الان، مردم در بسیاری از شهرهای ایران به جرگه اعتراضات پیوسته‌اند. این خیزش سراسری، نه تنها علیه قتل وحشیانه مهسا، بلکه در مخالفت با بنیاد حکومت اسلامی بوده است. خواست معترضان واضح و روشن است: پایان دادن به حاکمیت رژیم مذہبی که جنبه‌ای از خشونت فراگیرش علیه مطرودان جامعه، به وضوح در مرگ مهسا نمایان است. در برابر این ارباب و سرکوب، ما شاهد انقلابی فمینیستی در ایران هستیم که جرعه‌اش را خشم ناشی از قتل مهسا (ژینا) امینی رقم زد. معترضان با الهام از خیزش کردها شعار می‌دهند: «زن، زندگی، آزادی» {ژن، ژیان، نه آزادی}. خیزش‌های مردمی، بدن‌های بی‌حجاب رقصان، و معترسانی که نمادهای حجاب را آتش می‌زنند به کمک ارتش‌های ترول‌ها {سایبری‌های حکومتی} که حمایت حکومت را دارند، قطعی‌های مکرر اینترنت، گازهای اشک‌آور، دستگیری‌های گسترده، و کشتار وحشیانه با نهایت خشونت سرکوب می‌شوند.

با این حال در سرتاسر جهان دانشگاهیان و فعالان زیادی عمدتاً در قبل آنچه که در ایران در حال وقوع است، سکوت پیشه کرده‌اند. بحران ایران بین دو دیدگاه تقلیل‌دهنده اما مسلط و غالب در رسانه‌ها و همچنین جوامع دانشگاهی گرفتار آمده. در یک سو تاریخ طولانی سرکوب استعماری به موازات ظهور گفتمان‌های نوینی چون: بیگانه‌ستیزانه، نژادپرستانه، و ضدحقوق زنان و اقلیت‌های جنسی در غرب، مسائلی چندوجهی چون حجاب را فقط به «مسئله‌هایی فرهنگی» فروکاسته. و دقیقاً همین گفتمان‌ها مانع شده تا چهره‌های پیشروی کشورهای جهان‌اولی راسخ و رسا با مبارزات مردم خاورمیانه و دیگر کشورهای مسلمان همراه شوند، بی‌واهمه از این که موضع‌گیری‌شان، برای ایدئولوژی‌های ضدحقوق زنان و اقلیت‌های جنسی در غرب خوراک تبلیغاتی جور کند. از سوی دیگر رویکردی ظاهراً مترقی اما نوسرقت‌نگرانه نیز وجود دارد که سرانجام و ذهنیت و سوژه‌بودگی اهالی کشورهای غیرغربی، به‌ویژه مردمان خاورمیانه و شمال آفریقا را

نادیده گرفته، چرا که در بافتار غرب جایی ندارند. دیدگاه‌های این‌چنینی سبب شده مقاومت‌های فمینیستی و دگرباشانه ایرانیان نه تنها مورد مطالعه قرار نگیرد، بلکه از منظر سیاسی نیز جدی تلقی نشود.

سرکوب لایه لایه و مبارزات این مردمان ناشناخته مانده و به چشم نمی‌آید، مگر با گره زدن این مبارزات به دغدغه‌های مورد پسند غربی‌ها، یا با مطابقت‌دادن خودشان با آنچه نوشرق‌نگران انتظار دارند.

برخلاف و بر فرای این گرایش‌های تقلیلی، ما، گروهی از فعالان دانشگاهی فمینیست، از جمعیت‌های فمینیستی بین‌المللی می‌خواهیم در راستای ایجاد همبستگی فراملیتی با زنان و مطرودان و بدن‌های به حاشیه‌رانده‌شده در ایران به ما بپیوندند. مبارزات خواهران ایرانی ما در بسترهای دوگانه **تحول تاریخی مناسبات قدرت در جوامع موسوم به «اسلامی»** و **بحران‌های معاصر مرتبط با روابط بازتولید اجتماعی در نظام سرمایه‌داری جهانی** جای می‌گیرد. ما بر برنامه‌ای حول محور فعالیت‌های فمینیست‌محور دگرباش‌گرا، ضدسرمایه‌داری، و ضدفاشیستی تاکید می‌کنیم تا مبارزات هم‌پیمانانمان در ایران را به امور مختص کشورهای جهان‌اولی تقلیل ندهد. برعکس، ما باید این مبارزات را چونان زنجیره‌ای ببینیم و با مفروض‌گرفتن این‌که مبارزات ما مبارزاتی مشترک است، این مبارزه را ادامه دهیم. ساخت و حفظ زنجیره‌ای این‌چنینی، مستلزم پذیرش ماهیت مشترک مبارزاتی است که زنان و دیگر مطرودان، در کشورهای نظیر ایران، تحت حاکمیت حکومت اسلامی امروزش تجربه می‌کنند. اکنون آنچه که از همیشه ضروری‌تر است، نشان‌دادن همبستگی فراملیتی موثر با زنان و مابقی مطرودان در ایران است.